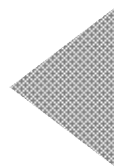


علل اخلاقی وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ و نقش بازدارنده بانکداری اخلاقی در پیشامد بحران‌های مشابه



حسین عیوضلو^۱

وهاب قلیچ^۲

(تاریخ دریافت ۹۳/۳/۰۲ - تاریخ تصویب ۹۳/۹/۱۵)

چکیده

اتخاذ خط‌مشی تأمین مالی‌های کوتاه‌مدت با شیوه‌های غیرمسئولانه، به انضمام فقدان برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی لازم در اجرای اصول اخلاقی، نتیجه‌ای جز وقوع فضاحت‌بار بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، به همراه نداشته است. بدون شک، اخلاق به معنای تبعیت از اصول، هنوز نقش مهمی در تعاملات مالی و روابط اقتصادی دارد. با توجه به ریشه‌ها و علل اخلاقی بحران مالی و اثرگذاری نظام بانکی در ایجاد و توسعه آن، به نظر می‌رسد اجرای بانکداری اخلاقی قادر است تا حدی از پدید آمدن اینگونه ریشه‌های بحران‌زا جلوگیری به عمل آورد.

برنامه‌ریزی مبتنی بر اصول و قواعد، ارزیابی و اعتبارسنجی دقیق، واقع‌نگری و حرکت بر اساس ظرفیت‌های ممکن، همگرایی بخش اسمی و حقیقی اقتصاد، رعایت حقوق مشتریان و سهامداران، شفافیت اطلاعات لازم در قبال مشتریان و سهامداران، شایسته‌سالاری، مدیریت وجوه

۱- استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

۲- استادیار پژوهشکده پولی و بانکی، vahabghelich@gmail.com

سپرده‌گذاری شده توأم با امانتداری، وفای به قراردادها و تعهدات تقبل شده، گردش وجوه و ممانعت از کنز دارایی‌ها و سفته‌بازی‌های خارج از قاعده و پرهیز از فعالیت‌های ربوی، غری و مبتنی بر اکل مال به باطل در نظام بانکی از جمله راهکارهایی است تا نظام بانکی در مواجهه با بحران‌های مالی ایمن‌سازی گردد.

واژگان کلیدی: اخلاق، بانکداری اخلاقی، بحران مالی.

۱. مقدمه

مشاهدات بازارهای مالی و اعتباری نشان می‌دهد که اجماعی گسترده مبنی بر این واقعیت وجود دارد که انتظارات همواره رو به تزاید و ایجاد تعهداتی فراتر از حد توان، مؤسسات مالی را تدریجاً چنان تحت فشار می‌گذارد که آن‌ها به ناچار فراتر از فعالیت‌های معمول بانکداری سنتی، مبادرت به انجام فعالیت‌هایی خارج از ضوابط و قواعد اقتصادی کرده و نهایتاً با این قبیل اقدامات، سیستم مالی را به سمت بحران سوق می‌دهند. با توجه به سابقه بحران‌های مالی که نشان می‌دهد نظام بانکی در ایجاد و توسعه آن نقش مهمی را داشته است؛ می‌تواند اذعان داشت که یکی از مسیرهای کنترل و پیشگیری از وقوع و یا اشاعه بحران‌های بزرگ مالی، کنترل عملکرد نظام بانکی منطبق با اصول و موازین پذیرفته شده است.

این تحقیق درصدد پاسخگویی به دو پرسش اصلی است. اول آنکه علل و ریشه‌های اخلاقی وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ چه بوده است؟ و دوم آنکه بانکداری اخلاقی چگونه می‌تواند نقش بازدارنده‌ای در پدید آمدن بحران‌های مشابه داشته باشد؟

۲. روش تحقیق و ادبیات موضوع

از آنجاکه اطلاعات آماری در خصوص ریشه‌های اخلاقی بحران مالی در دسترس نمی‌باشد، روش تحقیق این نوشتار متکی به روش کتابخانه‌ای و مطالعات نظری می‌باشد. در زمینه علل و ریشه‌های بحران‌های مالی، تحقیقات زیادی صورت گرفته است. درخشان (۱۳۸۷) پس از بیان کلیات و مفاهیم پایه بحران‌های مالی، زمینه‌های بروز اینگونه بحران‌ها را برمی‌شمارد. ایشان علت اصلی این بحران را در سه حوزه رونق کاذب بازار مسکن در آمریکا، نوآوری‌های مالی در اعطای وام‌های رهنی پرخطر و فقدان نظارت کافی بر عملکرد

بورس‌ها، مؤسسات بزرگ مالی و سفته‌بازان در بازار جهانی سرمایه معرفی می‌نماید. نیلی و محمدی (۱۳۸۸) عدم توجه سیاستگذاران به سرشت بازارهای مالی و تأثیرپذیری عمیق ترازنامه نهادهای مالی از تحولات بازار دارایی‌های واقعی را از مهمترین نکات قابل توجه در بحران مذکور می‌نامند و بیان می‌دارند که عدم تشخیص صحیح مسأله به حجم بی‌ثباتی بازار افزوده است. منظور و حسینی (۱۳۹۱)، نوآوری‌های مالی از جمله انتشار گسترده اوراق بهادار بدون پشتوانه را عامل افزایش مخاطره و ریسک سیستمی در نظام مالی سرمایه‌داری عنوان نموده‌اند. دلالی اصفهانی و همکاران (۱۳۸۹) بیان می‌دارند که بدون تردید این بحران مالی به علت آشفتگی اوضاع مؤسسات مالی و بانک‌های ایالات متحده و عمل نکردن آنان به تعهداتشان ایجاد شده است.

کروگمن (۲۰۰۸) علت بحران مالی ۲۰۰۸ را همانند بحران‌های گذشته دانسته و تأثیر بحران را در کاهش تولید بالتبع کاهش مصارف بخش خصوصی و مخارج کل می‌داند. چپرا (۲۰۰۸) در مقاله‌ای به بررسی نقش تأمین مالی اسلامی در کاهش اثرات مخرب بحران مالی پرداخته و یکی از علل اصلی پدید آمدن این بحران مالی را فقدان انضباط و تعهدمندی در نظام مالی عنوان نموده است. صدیقی (۲۰۰۸) سفته‌بازی قمارگونه را علت بحران مالی دانسته است. وی ریشه مشکلات را شکست اخلاق عنوان کرده و باور دارد که اگر قادر بودیم جامعه‌ای به وجود آوریم که در آن افراد به کالاهای عمومی توجه داشته و با هم همکاری کنند، ترکیب صحیحی از مداخله‌های دولت و انگیزه برای بخش خصوصی پدید می‌آید.

احمد (۲۰۰۹) علت اصلی این بحران را عدم توانایی نهادهای مؤثر مالی در مدیریت ریسک عنوان نموده و این بحران را شکستن پایه‌های نظام مالی سرمایه‌داری و سرآغاز تحولی نوین دانسته است. دیوی و فردیان (۲۰۰۹) حرکت به سوی تأمین مالی اسلامی را درمان بحران‌های مالی برشمرده و عدم اتکای مشتقات مالی بر دارایی‌های واقعی و بخش حقیقی اقتصاد را از مهمترین ریشه‌های بحران مالی ۲۰۰۸ عنوان کرده‌اند. همچنین آقیون، باچتا و بنرجی (۲۰۰۱)، معتقدند بحران را ترکیبی از عوامل گوناگون مانند بدهی‌های فراوان، ذخایر ارزی اندک، پایین آمدن درآمد دولت، موانع اخذ وام و نیز افزایش انتظار در رابطه با کاهش ارزش پول به وجود می‌آورد.

اما در زمینه ادبیات تحقیق بانکداری اخلاقی، باید ذکر نمود که تلمسانی و ماتیسوس (۱۳۸۷) در

مقاله‌ای با عنوان بانکداری اخلاقی؛ با نگاه اسلامی به بررسی مبانی اسلام در بخش مالی جهان پرداخته و با مرور مفاهیم پایه‌ای بانکداری اسلامی به بررسی این نکته می‌پردازد که چگونه بانکداری اسلامی در یک فضای رقابتی ایجاد می‌شود. سیدجوادین و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود با یک مطالعه توصیفی که به روش پیمایشی انجام شده است بدین نتیجه می‌رسند که متغیر مستقل رعایت اصول اخلاقی از سوی بانک هدف، تأثیر مثبت و معناداری بر متغیرهای وابسته اعتماد، تعهد، وفاداری و ارتباط دهان به دهان در بین مشتریان برجای نهاده است.

هانسن و ریگل (۲۰۰۹) به بررسی اثرات مثبت رعایت اصول اخلاقی از سوی فروشندگان بر جلب اعتماد، تعهد، سهم مشتری، ارتباطات خریداران و مشتریان پرداختند. بیتی و همکاران (۱۹۹۶) نشان دادند که رعایت موازین اخلاقی از سوی نمایندگان فروش نسبت به مشتریانشان، باعث استحکام بیشتر میان طرفین می‌گردد. سردیشموک و همکاران (۲۰۰۲) ضمن ارائه تحقیقی بدین نتیجه دست یافته‌اند که رعایت موازین اخلاقی در تجارت موجب افزایش احتمال تکرار مراجعه مشتریان و سودآوری بیشتر بنگاه اقتصادی می‌شود. این نتیجه‌ای است که هنینگ تور (۲۰۰۲) نیز آن را با مشاهدات آماری به اثبات رسانیده است. افزون بر این چن و مائو (۲۰۰۹) نیز این حقیقت را به اثبات رسانیده‌اند که رعایت اخلاق از سوی ارائه‌دهندگان خدمات مالی و تجاری موجب افزایش اعتماد و وفاداری مشتریان می‌گردد.

مشکین (۱۹۹۱) نشان می‌دهد که طریق بانک‌ها بدون لحاظ الزامات اخلاق حرفه‌ای و با دوری از اقدامات محتاطانه و متعارف به راهکارهای پیچیده، چندوجهی و خطرپذیر روی آورده و دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شوند و یا آنکه مولر (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که نظام بانکی به منظور رفع ضعف‌ها، نیازمند تغییرات نظارتی و اصلاحات رفتاری بلندمدت با گرایش تعهدمداری و اخلاق‌محورانه است.

اما لازم به ذکر است، برای مطالعه علل اخلاقی وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ و نقش بازدارنده بانکداری اخلاقی در پیشامد بحران‌های مشابه نقش بانکداری اخلاقی در جلوگیری از ریشه‌های بحران‌های مالی، پژوهش جامعی در سوابق تحقیق یافت نشده است و از این حیث این تحقیق دارای نوآوری می‌باشد.

۳. بحران‌های مالی

جستاری در ریشه‌های بحران‌های مالی که وقوعشان مخصوصاً از سال ۱۹۷۰ به بعد امری متداول بوده است (کانت^۱، ۲۰۰۵)، نشان می‌دهد که یکی از مهمترین عوامل، وجود استقراض ربوی در نظام بانکی بوده که اثرات ناخوشایندی چون نکول بازپرداخت بدهی‌ها، هجوم به بانک‌ها^۲ و نهادهای مالی به منظور برداشت سپرده‌ها، ناتوان‌سازی مؤسسات در ادای تعهدات و نهایتاً ورشکستگی آنان و سرایت دامنه این بحران به بخش‌های دیگر اقتصاد را پدید می‌آورد.

بحران‌های بانکی یکی از متداول‌ترین این بحران‌هاست که با بی‌اعتمادی مشتریان به بانک‌ها شروع شده و با برداشت‌های ناگهانی وجوه پس‌انداز شده توسط سپرده‌گذاران، بانک‌ها را به رویارویی با بحران متمایل می‌سازد. از آنجا که بسیاری از وجوه سپرده‌گذاری شده در بانک وام داده می‌شود، در صورت برداشت ناگهانی وجوه توسط سپرده‌گذاران، بانک قادر به ایفای تعهدات خود مبنی بر بازگرداندن سریع مبالغ نخواهد شد و همین عامل می‌تواند بانک را به ورشکستگی بکشاند. همچنین چنانچه سپرده‌گذاران از بیمه سپرده‌گذاری برخوردار نباشند، ممکن است دچار زیان‌های شدیدتری نیز شوند (گورتون^۳، ۲۰۰۸).

۴. بحران مالی ۲۰۰۸

بحران مالی مورد بحث که از سال ۲۰۰۷ شروع و در پاییز سال ۲۰۰۸ به اوج خود رسید، بزرگترین بحران مالی از سال ۱۹۲۹ به بعد محسوب می‌شود. اگرچه بحران‌هایی شبیه بحران مالی ۲۰۰۸ همیشه پدیده‌ای غیرمنتظره و غیرمتعارف محسوب می‌شوند، ولی عملاً مشاهده می‌کنیم که وقوع این نوع بحران‌ها، مخصوصاً از سال ۱۹۷۰ به بعد امری متداول بوده است (کانت، ۲۰۰۵).

با توجه به شباهت زیاد بحران‌های مالی به یکدیگر، در این نوشتار تمرکز اصلی را بر ریشه‌های بحران مالی ۲۰۰۸ گذاشته‌ایم. آنگونه که می‌دانیم، این بحران در آمریکا و از بازار مسکن شروع شد و ضمن آسیب‌رسانی به سایر بخش‌ها در اقتصاد آن کشور به سرعت به اقتصاد کشورهای

۱- Kunt

۲- Banks Run

۳- Gorton

دیگر سرایت نمود. پیش از وقوع این بحران، سودهای حاصل از وام‌دهی بانک‌ها به بخش مسکن بسیار اغواکننده بوده و چشم‌انداز تعهدات دریافتی به شکل سیستماتیک بزرگ‌تر از تعهدات بدهی بانک‌ها به سپرده‌گذاران نشان داده می‌شد. افزایش منابع داخلی، افزایش سودهای انتظاری و همچنین افزایش سطح اعتماد بانک‌ها در گسترش دایره اعطای تسهیلات از اثرات محرز افزایش سودهای تحقق یافته بود.

عدم ارزیابی و اعتبارسنجی صحیح، تکیه بر وثایق به جای تأکید بر صحت و سلامت کار، بالا رفتن واهی سطح اطمینان بانک‌ها و عدم واقع‌گرایی و برنامه‌ریزی اصولی، مصادف با کاهش حاشیه‌های ایمنی عملیات بانکی شده بود. این امر موجب گردید تا با ترک اصول احتیاطی و برآمده از منطق اقتصادی از سوی بانک‌ها، میزان وام‌های با سطح ضمانت پائین با افزایش مواجه شوند؛ به حدی که افرادی که از شایستگی و اعتبار چندانی نیز برخوردار نبودند، متقاضی اخذ وام مسکن به عنوان کالایی نسبتاً بااطمینان شوند.

با افزایش قیمت مسکن، به تدریج عرضه آن رو به رشد نهاد تا که به ناگاه حباب قیمت‌ها ترکید و قیمت مسکن در سراسری سقوط قرار گرفت. در این شرایط وام‌گیرندگان که همان بدهکاران بانکی بودند، بازپرداخت بدهی‌ها را در مقابل مصادره مسکن ارزان قیمتی که در رهن بانک بود، عملی غیرموجه و غیراقتصادی یافتند و لذا عدم پرداخت بدهی‌ها وارد مرحله جدیدی شد (چپرا، ۲۰۰۸). در این شرایط بانک‌ها نیز که بر اساس تعهدات رو به افزایش گذاشته خود، به سپرده‌گذاران بدهکار بودند، منابع خود را از دست رفته دیدند و به تدریج کسری حساب‌های بانکی برای عموم مردم قابل پیش‌بینی شد؛ در این حالت وقوع بحران بانکی دور از انتظار نبود. در واقع فراگیری فضای نااطمینانی نسبت به سرنوشت بانک‌ها و نهادهای مالی اعتباری و هجوم گسترده سپرده‌گذاران به این مؤسسات به منظور برداشت از سپرده‌های خود، به تقویت بحران دامن زد.

۵. ریشه‌های اخلاقی بحران‌های مالی

۱.۵. تعریف اخلاق

در فرهنگ غربی، اصول اخلاقی راجع به چگونگی بودن افراد و اینکه بر اساس چه ضوابطی رفتار کنند، مطرح می‌شود (جبادموسی^۱، ۲۰۰۴). به طور کلی، واژه اخلاق با استانداردهای مربوط به صحیح و نادرست بودن رفتارها مرتبط می‌باشد (فیشر^۲، ۲۰۰۷). دایره المعارف انگلیسی چمبرز^۳، اخلاق را مجموعه‌ای از قواعد رفتاری و انسانی برمی‌شمارد. دی جورج اخلاقیات را تلاشی نظام‌مند جهت دریافت تجارب اخلاقی و معنوی جامعه و افراد، از طریق تعیین مقرراتی که باید برای رفتار انسانی، مورد استفاده قرار گیرد، می‌داند و لاسکوئز اخلاقیات را فعالیت منطبق بر استانداردها تعریف می‌نماید (سونسون^۴، ۲۰۰۴).

به طور عام، فلاسفه، الهیون، منتقدان و اندیشمندان علوم اجتماعی، اخلاق را شناخت صحیح از ناصحیح عنوان نموده‌اند. این تشخیص همیشه آسان نیست و بعضاً با دشواری‌هایی همراه می‌باشد. برخی از اندیشمندان علم اخلاق مدعی آنند که اصول اخلاقی همواره یک راه‌حل درست مطلق ارائه می‌نماید؛ در حالیکه عده‌ای دیگر معتقدند راه‌حل درست وابسته به شرایط و موقعیت است و تعیین صحت اخلاقی یک راه‌حل در نهایت به خود فرد بازمی‌گردد (سلطانی، ۱۳۸۲: ۳۴). همچنین اخلاق هم به فضائل اخلاقی و امور مثبت و مفید اطلاق می‌گردد، هم به رذائل اخلاقی و امور منفی و مضر. مراد ما از اصطلاح اخلاقی در این نوشتار صرفاً اموری است که به اخلاق نیک و فضایل اخلاقی برمی‌گردد و نه رذائل اخلاقی. مثلاً وقتی بیان می‌شود که فلان کار اخلاقی است و یا دروغگویی غیر اخلاقی است؛ منظور از اخلاق تنها فضایل اخلاقی می‌باشد.

بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان اذعان داشت، اخلاق همان رعایت قواعد، ضوابط و استانداردهای حاکم بر رفتار افراد در یک نظام انتزاعی از باورها و ارزش‌های انسانی که رفتارها را کنترل می‌کند، می‌باشد. از این‌رو رعایت اخلاق در رفتار و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به مفهوم رعایت قواعد، اصول و استانداردهای حاکم بر اقتصاد با لحاظ هنجارها و ارزش‌های

۱- Gbadamosi

۲- Fisher

۳- Chambers English Dictionary

۴- Svensson

پذیرفته شده انسانی است.

۲.۵. شاخصه‌های اخلاق در اقتصاد

با نگاهی به آثار علمای اخلاق و منابع علمی تبیین اخلاق حرفه‌ای در سازمان، می‌توان به برخی از شاخصه‌های اخلاق که مرتبط با بحث است، به نحو ذیل اشاره نمود:

الف) اطاعت‌پذیری: اطاعت‌پذیری رکن اصلی نظام مدیریت سازمانی است و این امر موجب آن می‌گردد که به صورت خودکار سازمانی نظام‌مند، مبتنی بر هدف و تلاش درونی کارکنان برای رسیدن به اهداف بسیار عالی شکل و قوام گیرد.

ب) وفای به تعهدات و قراردادهای: مهمترین سرمایه یک جامعه اعتمادی است که افراد به یکدیگر دارند و هر چیزی که این اعتماد و همبستگی را تقویت کند، مایه سعادت و پیشرفت جامعه است.

ج) امانتداری و رعایت صداقت و درستکاری: این سه ویژگی از اصول اخلاقی و سرمایه اصلی هر جامعه انسانی می‌باشند.

د) شایسته‌سالاری: شایسته‌سالاری موجب قوام یک مجموعه می‌شود. در ادبیات مدیریت سازمانی نوین در انتخاب کارگزاران، مدیران و کارکنان به شدت بر روی اصل شایسته‌سالاری اخلاقی و فنی تأکید داشته می‌شود.

ه) نظارت و ارزیابی عملکردها: تأکید بسیار زیادی متوجه مدیران و مسئولین است که بر اعمال و رفتار کارکنان و زیردستان نظارت داشته و همواره ارزیابی مستمری از آنها صورت پذیرد.

و) برنامه‌ریزی، دوراندیشی و انضباط در امور: نظم، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی یکی از پایه‌های اخلاق در مدیریت اقتصادی است، چراکه بقای مناصب و روابط متصل به برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور است.

ح) تداول ثروت و جریان داشتن مال: اصل جاودانه اسلامی در خصوص اموال این است که اموال برای استفاده عموم در اختیار گذاشته شده‌اند به همین جهت نباید فقط در میان ثروتمندان به گردش درآیند، چرا که در غیر این صورت جامعه در عمل محکوم به نابودی و هلاکت تدریجی خواهد بود (عیوضلو، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

ط) عدم ضرررسانی به دیگران: هر گونه فعالیت اعم از مالی و غیرمالی که باعث ایجاد ضرر به

دیگری شود، غیراخلاقی و ممنوع است. بر اساس این اصل، فعالیت برای ازدیاد مال و ثروت در صورتی جایز و مشروع است که موجب اضرار به غیر نباشد (عیوضلو، ۱۳۸۷: ۱۵۹).
ی) دوری از اسراف و تبذیر: اسراف و هدردهی منابع طبیعی، امری مذموم در تمامی فرهنگ‌ها بوده و موجب افول منابع اقتصادی، کاهش تولید، افزایش هزینه‌ها و در نهایت نابودی و سقوط جوامع می‌شود.

۳.۵. تبیین علل بحران مالی از منظر اخلاقی

عواقب گسترده بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ به وضوح نشان می‌دهد، گسترش آزادانه و بی‌قاعده مؤسسات پولی و مالی با محوریت توجه صرف به منافع شخصی، می‌تواند جامعه، سپرده‌گذاران و حتی خود این مؤسسات را در معرض خطر قرار بدهد. در چشم‌انداز گسترده اقتصاد کلان، این بحران تفاوت معنی‌داری با سایر بحران‌های پیش از آن، که اقتصاد سرمایه‌داری غرب را دچار تزلزل نموده بودند، نداشته است. با نگاهی به سابقه تاریخی بحران‌های اقتصادی، می‌توان ریشه‌های اخلاقی ایجاد این بحران‌ها را شناسایی نمود.

فزونی منابع اعتباری، رشدی بالاتر از حد متوسط را در اقتصاد رقم می‌زند و اعتماد به نفسی کاذب در سرمایه‌گذاران آتی فراهم می‌آورد (مینسکی^۱، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵). در نتیجه، انتظارات بیش از حد خوش‌بینانه، موجب کاهش قیمت دارائی‌ها شده و این امر سفته‌بازان را به سمت بازارهای نامطمئن می‌کشاند. در این مرحله، انتظارات وافر موجب افزایش قیمت‌ها می‌گردد. به ناچار، این روند در یک مارپیچ سوداگرانه به پایان می‌رسد که در آن، قیمت‌ها تدریجاً غیرواقعی شده و نهایتاً حباب‌هایی در بخش‌های خاصی از اقتصاد به وجود می‌آید (مینسکی، ۱۹۸۵).

عمدتاً یک شوک غیرمنتظره، باعث بروز اختلالاتی در انتظارات سرمایه‌گذاران و متعاقباً نوسانات پیش‌بینی نشده قیمت‌ها شده و در نتیجه کاهش ناگهانی ذخائر مالی بانک‌ها، اعتماد مردم به کلیت نظام بانکی را خدشه‌دار می‌گرداند. همچنین به دلیل آنکه استقراض عمومی و فوری بانک‌ها به شدت دشوار می‌باشد، لذا بحران نقدینگی به آهستگی بروز می‌نماید. بسته به میزان وخامت وضعیت ترانزنامه‌های بانکی در خصوص سقوط ارزش دارائی‌ها، بحران نقدینگی

می‌تواند تا مرحله بحران اعسار و ورشکستگی بانک‌ها و طیف‌های وسیع‌تری از بحران‌های اقتصادی نیز پیشروی داشته باشد.

قابل ذکر است این عوامل و فرآیندها، در سطوح عمومی جامعه نقش داشته و کلیه شاخص‌های بازار را به میزان مشابهی تحت تأثیر قرار می‌دهند. اتخاذ تصمیمات نادرست مالی و سرمایه‌ای و قابلیت پوشش شرایط فوق‌العاده ریسکی بر پایه تصمیمات سست و متزلزل مشکلی است که هر دو طیف حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای سرمایه‌گذاران، اعم از خصوصی یا سازمانی، بانک‌های سرمایه‌گذاری گروه وال استریت، مدیران صندوق‌های تأمین مالی، وام‌دهندگان خرده پا در عرصه مسکن و خریداران وام‌های مسکن را مبتلا می‌سازد. همچنین نرخ‌های پایین و غیرواقعی نظام بانکی، حاشیه سود وام‌ها را مشخصاً تقلیل داده و پوشش هزینه‌های اداری و تراکنش‌های مالی بانک‌ها را با مشکل مواجه نموده است.

اگرچه چارچوب کلی فرآیندهای فوق، در بحران مالی مورد بحث نیز مجدداً به وقوع پیوست، اما عوامل ویژه دیگری هم وجود دارند که می‌توانند در روند مقررات‌زدائی مالی و تشدید و تقویت بی‌ضابطه‌گری مالی تأثیر بگذارند که در ذیل به چند مورد از برجسته‌ترین عوامل اشاره می‌گردد:

- طمع‌ورزی در رسیدن به سودها و درآمدهایی که مینا و علت اقتصادی همچون ارزش افزوده و بازده حقیقی دارایی ندارند و صرفاً از مسیرهایی خارج از ضوابط اقتصاد واقعی محقق می‌شود، یکی از مهمترین ریشه‌های اخلاقی شکل‌گیری این نوع بحران‌ها می‌باشد. این حقیقت که در آثار مینسکی (۱۹۷۸، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۱) نیز به کرات مورد اشاره قرار گرفته است، بیانگر این نکته است که هنگامی که انتظارات سهامداران برای دریافت بازدهی روزافزون و انتظارات مدیران اقتصادی برای دریافت پاداش‌های بیشتر در مسیر حقیقی جریان نیابد، منجر به ایجاد نرخ‌های وسوسه‌کننده‌ای در اکثر بنگاه‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. به عنوان نمونه، نرخ‌های بالای ۲۵٪ در سال‌های قبل از بحران ۲۰۰۸، نهایتاً موجب آن شد مؤسسات مالی نسبت بدهی به دارایی‌های خاص خود در ترازنامه‌ها را افزایش دهند. در واقع، با وجود اطلاعات نامتقارن در بازار، افرادی که قصد انجام پروژه‌های ضعیف با ریسک بالا را دارند بیشتر حاضرند وام دریافت کنند و یا آنکه پس از دریافت وام برخلاف تعهدات خود عمل نمایند (مینسکی، ۱۹۹۱). بدین طریق بانک‌ها به منظور دستیابی به سودهای

فوق‌العاده، در دام انتخاب معکوس و خطرات اخلاقی ناشی از عدم تقارن اطلاعات افتاده و با فاصله گرفتن از فعالیت‌های منطقی، محتاطانه و متعارف به راهکارهای پیچیده، چندوجهی و خطرپذیر روی می‌آورند که نهایتاً این روند منجر به فرسایش پایه‌های نظام بانکی می‌گردد. با نگاهی به جریان شروع بحران مالی در می‌یابیم که در رابطه بین بانک‌هایی که با اتکای به وام‌های رهنی، اوراق بهادار منتشر کرده‌اند با خریداران این نوع اوراق، مصداقی از مخاطرات اخلاقی رخ داده است (مولر^۱، ۲۰۰۸). بنابراین نظام بانکی به منظور ترمیم این ضعف‌ها، نیازمند تغییرات نظارتی و اصلاحات رفتاری بلندمدت با گرایش تعهدمداری و اخلاق‌محوری است.

• گرچه حذف و اصلاح مقررات زائد و غیرضروری که تنها به طولانی شدن بی‌فایده روند مبادلات اقتصادی، راکد ماندن سرمایه‌ها و افزایش هزینه معاملات می‌انجامد، امری نیکو و لازم می‌باشد، اما حذف و یا تضعیف مقررات لازم خصوصاً در حیطه مراقبت و نظارت بر مبادلات اقتصادی و بانکی، یکی دیگر از ریشه‌های اخلاقی بحران‌های مالی است. چرا که به طور طبیعی در بازار سرمایه، توانائی انتقال ریسک سیستمی به سایرین از طریق مشتقات اوراق بهادار، وام‌دهندگان را وادار به پذیرش ریسک‌های مضاعف می‌کند؛ از این رو این نوع مقررات‌زدایی به تضعیف ارتباطات صحیح میان وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان منجر می‌شود. از طرف دیگر، پیچیدگی و ابهامات موجود در محصولات مالی در سایه خلأ و یا ضعف مقرراتی، ارزیابی و بررسی دقیق ویژگی‌های ریسک و پاداش را از سرمایه‌گذاران سلب و مؤسسات مالی را به استفاده از روش‌های وام‌دهی بی‌ضابطه وادار می‌سازد. به عبارتی، فرآیندهای اوراق بهادار و بازار به شیوه‌ای متقابل بر یکدیگر و بر ریسک‌های سیستمی هم‌افزائی داشته و این موضوع را به خوبی توجیه می‌نماید که چگونه ضررهای جزئی در بازار املاک و مستغلات در آمریکا، تبدیل به افتراس بزرگ مالی در سطح بین‌المللی گشته و در گذر زمان، دامنه معضلات به سوی نظام بانکی تسری می‌یابد (کاربنی^۲، ۲۰۱۱).

۱- Muller

۲- Carboni

• بحران مورد بحث همانند هر بحران مالی دیگر، در بدو امر «بحران اعتماد» بوده است. کمبود شفافیت به معنای پرهیز از افشای اطلاعات لازم و ایجاد بستر مناسب جهت تصمیم‌گیری سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران جهت تصمیم‌گیری مبنی بر ورود به پروژه‌های اقتصادی یا خروج از آنها از جمله عواملی است که بر این بحران دامن می‌زند. متأسفانه بازارهای مالی در برابر مسائلی چون افشا و شفاف‌سازی هزینه‌های مالی مقاومت می‌نمایند و این مقاومت بر هزینه‌های وجود اطلاعات نامتقارن که همان انتخاب معکوس و خطرات اخلاقی باشد، می‌افزاید. استفاده از صفت «اخلاقی» در اصطلاح رایج «خطرات اخلاقی» به عنوان یکی از عوارض نامتقارنی اطلاعات در روابط اقتصادی، شاهد دیگری بر اخلاقی بودن ریشه‌های ایجادکننده اختلالات مالی می‌باشد.

در مجموع با نگاهی دقیق به ویژگی‌های مشترک بحران‌های مالی و خصوصاً روند اقدامات نظام بانکی پیش از بحران مالی ۲۰۰۸ درمی‌یابیم که بخش مهمی از علل پدیداری این نوع بحران‌ها و آسیب‌های وارده به اقتصاد جهانی، به دلیل عدم تبعیت مؤسسات مالی و نظام بانکی از اصول و لوازم رفتار جمعی و دستورالعمل‌های اخلاقی در مقوله سرمایه‌گذاری محتاطانه و مطابقت با مقررات دقیق حاکم بر مباحث زیست محیطی و اجتماعی بوده است. امانتداری نامناسب و بی‌توجهی به حقوق سپرده‌گذاران و سهامداران و نیز افشای رازها و اسرار آنان و اعمال ریسک‌های نامتعارف بر روی دارایی آنان، انتظارات مدیران بانکی برای دریافت پاداش‌های فراتر از حد معقول، پیروی از احساسات افزون‌طلبانه، حریصانه و غیرمدبرانه در مواجهه با نرخ‌های وسوسه‌کننده، عدم دوراندیشی و برنامه‌ریزی مالی، فرصت‌طلبی خارج از اصول اخلاقی، ارتشاء، سفته‌بازی‌های افراطی و خارج از اصول بازار، عدم واقع‌نگری و ارزیابی شرایط و ظرفیت‌های مالی ممکن، عدم رعایت حدود کفایت سرمایه، عدم افشای به موقع و صحیح اطلاعات لازم به مقامات ذی‌صلاح، مانع‌تراشی در نظارت و کنترل صورت‌های مالی توسط مقام ناظر، ضعف نظارت درونی و حاکمیت شرکتی، اقدام به فعالیت‌هایی که احتمال خدشه‌دار شدن شهرت و اعتبار نظام بانکی را افزایش می‌دهد و مواردی از این دست همگی از جمله اقداماتی است که به دور از اصول اخلاق حرفه‌ای به وقوع پیوسته و نظام مالی را در بحرانی با ابعاد جهانی گرفتار ساخته است.

از این رو باید اذعان داشت، یک نیاز کلیدی در خصوص تأسیس مؤسسات مالی جدید بر پایه

اصول اخلاقی توانمندتر و به منظور بازسازی شیوه‌های بانکداری سنتی و افزایش میزان دستیابی به اعتبارات برای سرمایه‌گذاری‌های پایدار و اخلاق‌محور، ایجاد شده است.

۶. بانکداری اخلاقی و نقش بازدارنده آن در بحران‌های مالی

۱.۶. مفهوم و اهداف بانکداری اخلاقی

بانکداری اخلاقی را می‌توان فعالیتی بانکی با رعایت کامل حقوق انسانی، التزام به رقابتی سالم و نیز مسئولیت‌پذیر و پاسخگو در قبال رفتارها توصیف نمود. این نوع بانکداری، مفهومی است که با آن که از ورود آن به ادبیات متعارف بانکی مدت زمان زیادی نمی‌گذرد، اما به سرعت در حال رشد و توسعه در ابعاد نظری و اجرایی در بین بانک‌های جهان شده است (قلیچ، ۱۳۹۰: ۲).

امروزه روشن است که اعمال شیوه‌های غیراصولی، غیرمسئولانه و افزون‌طلبانه در فرآیند اعطای وام‌ها به شکست و عدم توفیق تأمین مالی‌های متعارف و نهایتاً بحران بدهی منتهی می‌شود. بانک‌ها و مؤسسات مالی به منظور کسب اعتماد شهروندان، نیازمند تعامل و ایجاد تغییرات وسیع رفتاری و توجه جدی به نیازهای واقعی عامه مردم هستند. حداقل انتظار، رعایت حقوق افراد در یک جامعه مدنی است. سیاستگذاران نیز بایستی در اعمال سیاست‌هایشان بر شفافیت، آزادی و ایفای تعهدات مدنی صحه بگذارند. یکی از نتایج کلیدی بانکداری اخلاقی، ایجاد ارزش افزوده اجتماعی و توجه به رعایت حقوق متقابل می‌باشد. بانکداری اخلاقی علیرغم وجود محدودیت‌هایی که در مقایسه با بانکداری متعارف با آنها روبروست، یک واقعیت غیرقابل اجتناب در اقتصاد جهانی محسوب می‌شود. این بانکداری از ظرفیت‌های توسعه‌ای زیادی برخوردار بوده و نکته حائز اهمیت در آن، عدم توجه صرف به سودآوری می‌باشد.

در مجموع می‌توان برای بانکداری اخلاقی، اهدافی چون انجام فعالیت‌های کارا و مفید بر روی منابع بانکی خصوصاً سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی پروژه‌های پایدار، سرمایه‌گذاری در بخش حقیقی اقتصاد نه بخش کاغذی آن، پرهیز از اقداماتی که منجر به آسیب‌رسانی اقتصادی- اجتماعی به جامعه می‌شود، کمک به حفظ ثبات بازارهای مالی و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی کشور، سرمایه‌گذاری و اعطای وام به تجارت‌های اجتماعی، نهادهای مردمی و سازمان‌های فرهنگی، ارائه بهترین خدمات و جلب رضایت مشتریان و حفاظت از حقوق و منافع آنان، رعایت حقوق و منافع کارکنان و مسئولین نظام بانکی، حفاظت از اعتبار و شهرت نظام بانکی، سامان‌دهی اعطای تسهیلات در راستای کاهش سطح فقر و شکاف طبقاتی، حفاظت از محیط

زیست و منافع فرانسلی را متصور بود.

۱.۶. سابقه بانکداری اخلاقی در جهان

سرآغاز ورود جدی مباحث اخلاقی در اقتصاد مالی و تجارت نوین چندان روشن نیست اما آنچه در تاریخ اقتصادی غرب می‌توان یافت، آن است که در قرن هجدهم در انگلستان، کواکرها^۱ اولین گروهی بودند که از سرمایه‌گذاری در صناعی که مخالف اخلاق به شمار می‌آمدند (مانند دخانیات، الکل، قمار و برده‌داری)، اجتناب می‌ورزیدند. این اقدام به مرور زمان باعث محبوبیت و رشد تجارت این گروه در میان مردم شد و باب جدیدی را در مباحث متعارف اقتصاد غرب باز نمود. این نوع سرمایه‌گذاری اخلاقی بعدها به «سرمایه‌گذاری مسئولانه اجتماعی»^۲ معروف شده و دامنه آن روز به روز گسترده‌تر از پیش گردید.

در امتداد این جریان و در سه دهه اخیر، بانکداری اخلاقی به عنوان مفهومی که از ورود آن به ادبیات متعارف بانکی مدت زمان زیادی نمی‌گذرد، به سرعت در بعد نظری و اجرایی در بین بانک‌های جهان رشد و توسعه نموده است. برخلاف کشور ما، در برخی از کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای غربی، توجه بسیار زیادی به این مقوله شده و از حیث مطالعات نظری و نیز عملیاتی و اجرایی جزو اولویت‌های بسیاری از نظام‌های بانکی قرار گرفته است. به عنوان مثال از جمله نهادها و بانک‌هایی که تحت این عنوان فعالیت می‌نمایند می‌توان به شور بانک^۳، آ.اس.اف سوشیال فایننس^۴، آلیانس بنکشیر^۵، تی‌سی‌اف بنک^۶ و وینرایت بانک^۷ در آمریکا، بانک تعاونی^۸، رلیانس بانک^۱، شرد اینترست^۲ در انگلستان، جی.ال.اس بانک^۳ و اتیک بانک^۴ در

۱- Quakers.

۲- Social Responsible Investment

۳- Shore Bank

۴- RSF Social Finance

۵- Alliance Bankshares

۶- TCF Bank

۷- Wainwright Bank

۸- Co-operative Bank

آلمان، سیتیزنس بانک^۵ و ونسیتی بانک^۶ در کانادا، تریودوس بانک^۷ و رابو بانک^۸ در هلند، بنکا ایتیکا^۹ در ایتالیا، بانک تعاونی اعتبار^{۱۰} در فرانسه، می بانک^{۱۱} در مالزی و گرامین بانک^{۱۲} در بنگلادش اشاره داشت (قلیچ، ۱۳۹۰). البته تعداد این نوع بانک‌ها در مقایسه با صدها بانک و نهاد مالی برجسته در جهان چندان زیاد نمی‌باشد و شاید اگر تعداد بیشتری با ابعاد کارکردی وسیع‌تری از این نوع بانک‌ها در سرتاسر جهان فعالیت داشتند، دامنه‌های بحران مالی ۲۰۰۸ به شدتی که رخ داده است، نمود پیدا نمی‌کرد.

۳.۶. نقش و اهمیت بانکداری اخلاقی

البته گرچه نقش نظام بانکی در ایجاد و خصوصاً در رشد و حجیم شدن بحران مالی تمام علت نبوده است، ولیکن به علت برجسته بودن این نقش، آنچه امروزه بیش از پیش به عنوان یک نیاز حیاتی در پیشگیری از بحران‌های مالی به چشم می‌آید، برپایی «نظام بانکداری اخلاقی» در سرتاسر جهان است. بحران مالی ۲۰۰۸، فرصت ویژه و شرایط بی‌سابقه‌ای را برای اهمیت دادن و بکارگیری بیشتر و بهتر اصول اخلاقی در نظام بانکی و میل دادن این نظام به سوی یک مدل قوی‌تر و اخلاقی‌تر فراهم آورده است؛ مدلی که گرایش بیشتری به سوی تأمین رویکردهای اجتماعی و نیازهای اقتصادی آحاد مردم با حفظ اخلاق حرفه‌ای، در اقصی نقاط جهان دارد.

-
- ۱- Reliance Bank
 - ۲- Shared Interest
 - ۳- GLS bank
 - ۴- EthikBank
 - ۵- Citizens Bank
 - ۶- Vancity
 - ۷- Triodos Bank
 - ۸- Rabobank
 - ۹- Banca Etica
 - ۱۰- Crédit Coopératif
 - ۱۱- MayBank Group
 - ۱۲- Grameen Bank

توجه بیشتر به مقررات فعلی نظام بانکی در خصوص کفایت سرمایه با هدف تقویت ساختارهای مالی برای مقابله با بحران‌های مالی، محدودیت‌های معینی را به منظور افزایش سقف اعطای وام اینگونه مؤسسات احصاء نموده است. در عین حال نظام اقتصادی خود را مواجه با فرصتی مناسب جهت مراقبت و نظارت بیشتر بر نقش آفرینان اقتصادی در حوزه‌های اجتماعی و زیست محیطی از جمله تعاونی‌ها، سازمان‌های غیرانتفاعی و موارد مشابهی که از نقطه نظر دستورالعمل‌های کمیته بال، دارای شاخص‌های ریسکی بیشتری هستند، می‌بیند.

بازسازی اصولی و ضابطه‌مند شیوه‌های مالی و رعایت هرچه بیشتر اخلاق حرفه‌ای در امور پولی و مالی، سرآغاز گامی اساسی در جهت سالم‌سازی هرچه بیشتر این صنعت است. اگر بنا باشد نکته‌ای مهم از بحران‌های مالی اخیر بیاموزیم، می‌توان به این موضوع اشاره نمود که عملیات مؤسسات پولی و بانکی به طور کلی، فراتر از سایر شرکت‌ها بوده و در واقع یک سری مسئولیت‌های خاص و اخلاق‌محور را در قبال جامعه برعهده گرفته‌اند که شاید کمتر مؤسسه و نهادی متصدی آن باشد. روشن است که تخصیص بهینه سرمایه توسط نظام بانکی، ضرورتاً موجب شکل‌گیری قدرت و تعاملات اجتماعی در جامعه شده و ضعف و نقصان آن، بحران‌هایی را در سطح اجتماع پدید خواهد آورد. در نتیجه تعجب‌آور نخواهد بود که افزایش سطوح دستیابی به توسعه مالی، بیشتر از آنکه نیازمند امتزاج با رویکردهای متعارف مالی باشد، به قوانین مالی و نظام بانکی مرتقی و بر پایه تعهد و اخلاق و نیز مسئولیت‌پذیری، کنترل‌پذیری و پاسخگویی بیشتر نهادها در برابر شهروندان، سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران خرد وابسته و نیازمند باشد.

۷. توصیه‌های اجرایی بانکداری اخلاقی برای جلوگیری از بحران‌های مالی

با یک دسته‌بندی می‌توان توصیه‌های اجرایی بانکداری اخلاقی را در سه محور بیان نمود. این سه محور عبارتند از:

الف) محور درون بانکی: این محور به رعایت اصول و ارزش‌های اخلاق اسلامی در رابطه با پاسداشت حقوق متقابل مدیران با کارکنان بانک، بانک با مشتریان و بانک با سهامداران اشاره دارد. رعایت این اصول، باعث افزایش شهرت و اعتبار بانک، افزایش رفاه و رضایتمندی

کارکنان، مدیران، سهامداران و مشتریان بانک، افزایش مشتریان و منابع بانکی، کاهش هزینه‌های ناشی از اشتباهات سهوی، تخلفات و فسادهای اداری می‌گردد.

ب) محور بین‌بانکی: این محور به رعایت اصول و ارزش‌های اخلاق اسلامی در روابط و رقابت فی‌مابین بانک‌ها اشاره دارد. رعایت این اصول، موجب انسجام و اتحاد بیشتر نظام بانکی، مدیریت بهتر نظام پولی و مالی کشور توسط بانک مرکزی، افزایش کارایی و بهره‌وری نظام بانکی، پیگیری پر قدرت اهداف مشترک بانکی، تقویت زیربنای مالی بانک‌ها در مواجهه با بحران‌ها و رویدادهای پیش‌بینی نشده، انتقال تجربیات و ایجاد همبستگی و همکاری چندجانبه جهت ارتقای فناوری و سرعت بخشیدن به بومی‌سازی محصولات جدید عرضه شده در عرصه بانکداری بین‌الملل می‌شود.

ج) محور فرابانکی: این محور به رعایت اصول و ارزش‌های اخلاق اسلامی در روابط نظام بانکی با دیگر بخش‌های جامعه، اشاره می‌نماید. رعایت این اصول موجب قوام، ثبات و پایداری اقتصادی، حفاظت از مصالح اجتماعی - سیاسی و حقوق شهروندی عامه مردم، حفاظت از منافع بین‌نسلی، حفاظت از محیط زیست، ترویج اصول فرهنگی - اخلاقی در سطح جامعه، توزیع عادلانه درآمدها، کاهش شکاف طبقاتی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و مناطق محروم می‌شود. در ادامه با تفکیک سه محور فوق‌الذکر، به ارائه مهمترین توصیه‌های اجرایی بانکداری اخلاقی می‌پردازیم.

گرچه رعایت کلیه تعهدات و موازین قانونی بانکداری متوجه مفاهیم اخلاقی است؛ ولیکن در اینجا بیشتر آن دسته از توصیه‌های اخلاقی ذکر می‌گردد که به نظر می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از بحران‌های مالی ایفا نماید:

۱.۲. توصیه‌های مرتبط با مسایل درون بانکی:

- بانک‌ها باید تا حد امکان پیچیدگی و ابهامات موجود در محصولات مالی و همچنین مشکلات ارزیابی دقیق ویژگی‌های ریسک و پاداش برای سرمایه‌گذاران را برطرف نموده و از روش‌های وام‌دهی خارج از ضابطه پرهیز نمایند.
- بانک‌ها باید از استفاده و جوه در فعالیت‌های ربوی، غیرمشروع و مبتنی بر اکل مال به باطل پرهیز نمایند.

- سیاست‌های بانک بایستی در راستای تداول ثروت و گردش مال در جامعه باشد تا به تخصیص بهینه تسهیلات بر اساس نیاز واقعی آنان بیانجامد.
- بانک‌ها باید مطابق قراردادها و تعهداتی که به مشتریان دارند، رفتار نموده و از خلف وعده و هر اقدامی که اعتماد آنان را خدشه‌دار می‌سازد، پرهیز نمایند.
- بانک‌ها باید از بی‌توجهی به حقوق سپرده‌گذاران و سهامداران و اعمال رفتارهای پرخطر بر روی دارایی‌های آنان دوری نمایند.
- بانک‌ها باید از پنهان‌کاری و عدم افشای به موقع و صحیح اطلاعات لازم به مقام‌های ذی‌صلاح، کارشکنی و ایجاد مزاحمت در نظارت و کنترل صورت‌های مالی توسط مقام ناظر، ضعف نظارت درونی و حاکمیت شرکتی دوری کنند.
- بنا به اصل شایسته‌سالاری، مدیران و برنامه‌ریزان بانکی باید از بین شایسته‌ترین افراد انتخاب شوند و در اعطای وام، افراد و یا طرح‌های اقتصادی که شایستگی و صلاحیت لازم جهت اخذ تسهیلات را دارند، در اولویت قرار بگیرند.
- مدیران بانکی نبایستی جهت دریافت پاداش‌های فراتر از حد معقول اقدامی انجام دهند.
- بانک‌ها باید از پیروی از رفتارهای غیرمدبرانه در مواجهه با نرخ‌های وسوسه‌کننده، سفته‌بازی‌های افراطی و خارج از اصول بازار و عدم رعایت حدود کفایت سرمایه اجتناب نمایند.
- بانک‌ها باید قدرتی که در اختیار دارند را نوعی امانت اجتماعی - اقتصادی دانسته و تمامی اختیارات، امکانات و تجهیزات را در جهت رسالت سازمانی خود به کار بندند.
- بانک‌ها باید از اعطای وام‌های بی‌حساب از ذخیره سپرده مشتریان، پرهیز نموده و نقش امانتداری خود را در حفظ ارزش پول ملی حفظ نمایند.
- بانک‌ها باید در برخورد با مشتریان و سهامدارانشان راستی و صداقت در گفتار و رفتار داشته و از بیان و عملکرد ناصحیح و خلاف واقع بپرهیزند؛ چراکه این امر تا حد زیادی باعث تقویت اعتماد سپرده‌گذاران و جلوگیری از تصمیمات پیش‌بینی نشده و هیجانی آنان در برداشت از سپرده‌هایشان می‌شود.

۲.۶. توصیه‌های مرتبط با مسایل بین بانکی:

- بانک مرکزی باید بر عملکرد بانک‌ها و سازمان‌های تحت مدیریت خود نظارت تخصصی داشته و ارزیابی مستمر و دقیق بر فعالیت آنان داشته باشد.
- بانک مرکزی باید ادامه فعالیت بانک‌های پرخطر و تنش آفرین را منوط به رفع و اصلاح رویه‌های خود گرداند و به طور قاطع بر این امر نظارت و پیگیری داشته باشد.
- بانک‌ها باید در اجرای قوانین و مقررات بانک مرکزی به عنوان نهاد مافوق، اطاعت‌پذیری داشته باشند و گزارش‌های مربوطه را با صداقت و شفافیت در زمان‌های تعیین شده به این بانک تحویل دهند.
- بانک‌ها بایستی در مبادلات بین بانکی به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و از تخریب یکدیگر و رقابت نامنصفانه با هم پرهیز نمایند.
- بانک‌ها بایستی در صورت پیش‌بینی وقوع بحران بانکی و یا مالی، بانک مرکزی و سایر بانک‌ها را از این پیش‌بینی مطلع ساخته و برای حل و فصل آن، جلسات هم‌اندیشی مشترک برگزار نمایند.

۳.۷. توصیه‌های مرتبط با مسایل فرا بانکی:

- بانک‌ها باید خود را در قبال ثبات و امنیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه مسئول و متعهد بدانند و از اقداماتی که به این ثبات و امنیت صدمه می‌زند (همچون پولشویی) به طور جد، پرهیز نمایند.
- بانک‌ها باید در ارائه خدمات خود منافع و مصالح بین‌نسلی و رونق و رشد تولید ملی را در نظر گرفته و از رفتارهایی که تضادی با قوانین و تولید ملی دارند، خودداری نمایند.
- گسترش بی‌قاعده بانک‌ها با محوریت توجه صرف به منافع شخصی و بی‌توجهی به مسائل زیست محیطی، بایستی محدود شود.

۸. تدابیر ساختاری اجرای توصیه‌ها

گرچه رعایت اصول اخلاقی و نهادینه‌سازی بانکداری اخلاقی در سازوکار انتظام‌بخشی، افزایش شهرت و اعتبار، حفظ مشتریان سابق و جذب مشتریان جدید، کاهش هزینه‌های غیرضروری و در

نتیجه سودآوری شبکه بانکی می‌تواند مفید و مؤثر باشد و نیکو آن است که خود بانک‌ها به صورت داوطلبانه بر رعایت این اصول و موازین اهتمام ورزند، ولیکن نمی‌توان از نقش نظارتی و راهبری بانک مرکزی به عنوان نهاد بالادستی نظام بانکی بر شبکه بانکی غفلت ورزید. از این رو، پیشنهاد می‌گردد بانک مرکزی از دو طریق شبکه بانکی را به عملیاتی‌سازی بیشتر فرآیندهای بانکداری اخلاقی سوق دهد:

روش اول آن است که بانک مرکزی با ایجاد نهاد رتبه‌بندی، ضمن گردآوری و مشاهده عملکرد بانک‌ها و انطباق آن با شاخصه‌های بانکداری اخلاقی، هر ساله بانک‌های برتر در این حوزه را شناسایی و به جامعه معرفی نماید. بدیهی است اثرات مثبت تبلیغاتی و شهرت‌آفرینی این رتبه‌بندی، بانک‌ها را بر آن می‌دارد تا سازوکار عملیاتی شدن بیشتر این اصول را در خود تقویت نموده و گوی سبقت را از سایر رقبای خود برابند.

روش دوم آن است که بانک مرکزی با فراهم‌سازی یک بستر حقوقی و قانونی، امتیازات و تسهیلات ویژه برای بانک‌های فعال و محدودیت‌هایی خاص برای بانک‌های کم‌کار در این حوزه وضع نموده و از این طریق شبکه بانکی را به این امر مهم ترغیب و تشویق نماید. افزون بر این، ترتیبات اجرایی در اجرای قانون سلامت نظام اداری و تشکیل ستاد صیانت از امنیت عمومی و حقوق شهروندی در کشور زمینه مناسبی برای نهادینه شدن نظام بانکداری اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای ایجاد کرده است که امید است بیشتر مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

نتیجه

اتخاذ خط‌مشی تأمین مالی‌های کوتاه‌مدت و پرخطر با شیوه‌های غیرمسئولانه اعطای وام به افراد و یا طرح‌های ناشایسته، به انضمام فقدان برنامه‌ریزی و دوراندیشی در سایه کمبود نظارت و دقت لازم در اجراسازی نظام اخلاق حرفه‌ای، نتیجه‌ای جز وقوع فضاخت‌بار بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، به همراه نداشته است. با توجه به معیارها و اصول اخلاق اقتصادی و بانکداری اخلاقی، به نظر می‌رسد که توجه به بانکداری اخلاقی قادر می‌باشد تا حدی از پدید آمدن ریشه‌های بحران‌زا جلوگیری به عمل آورد.

در یک جمع‌بندی می‌توان بیان داشت که در یک اقتصاد رو به جلو، طرح‌ریزی و آینده‌نگری اصولی، واقع‌بینی و حرکت بر اساس ظرفیت‌های ممکن، ارزیابی و اعتبارسنجی دقیق و به موقع،

رعایت حقوق مشتریان و سهامداران با پرهیز از رفتارهای پرخطر و حریصانه، شفاف‌سازی و افشای اطلاعات لازم به مشتریان و سهامداران جهت تصمیم‌گیری‌های آزادانه و منطقی، مدیریت مالی وجوه سپرده‌گذاری شده با رعایت اصول امانتداری، وفای به قراردادهای و انجام کامل تعهدات متقبل شده، به گردش درآوردن وجوه و ممانعت از کنز دارایی‌ها و پرهیز از فعالیت‌های غیرمشروع، ربوی و مبتنی بر اکل مال به باطل در نظام بانکی از جمله توصیه‌های است که بانکداری اخلاقی خود را موظف به تبعیت کامل از آنان می‌داند. با توجه به ریشه‌های بحران‌آفرین مالی شناسایی شده به نظر می‌رسد، این تبعیت قادر است تا حد مطلوبی مصونیت و ایمنی را برای نظام بانکی فراهم آورد.

منابع

- تلمسانی، ایسام و ربین ماتیوس (۱۳۸۷)، «بانکداری اخلاقی: نگاه اسلامی»، ترجمه فائزه سادات سجادیان، **نشریه دین و اقتصاد**، سال دوم، شماره ۷ و ۸
- درخشان، مسعود (۱۳۸۷)، **ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران**، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- دلالی اصفهانی، رحیم و محمد واعظ برزانی و پایان ولی (۱۳۸۹)، «تحلیل راهکارهای جلوگیری از هجوم‌های بانکی»، **نشریه معرفت اقتصادی**، سال دوم، ش ۱.
- سیدجوادی، سیدرضا؛ مجتبی براری و کاظم ذبیح‌زاده (۱۳۹۰)، «رعایت اخلاق در فعالیت‌های بانکی و تأثیر آن بر روابط میان بانک و مشتری»، **پژوهشنامه مدیریت اجرایی**، سال سوم، شماره ۵.
- صدر، سیدمحمد باقر، (۱۳۵۹)، **بانک اسلامی**، ترجمه خنجی، تهران: انتشارات الفتح.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۷)، «درآمدی بر معرفی ارکان و هسته سخت اقتصاد اسلامی»، **دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی**، ش ۱.
- قلیچ، وهاب (۱۳۹۰)، **بانکداری اخلاقی در جهان**، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، **اخلاق در قرآن**، ج ۲، ج ۳، قم: نشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
- منظور، داود و سیدمجید حسینی (۱۳۹۱)، «ماهیت سیاسی اقتصادی بحران بازار آزاد؛ واکاوی بحران‌های مالی در نظام سرمایه‌داری با رویکرد اسلامی»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی**، سال دوم، ش ۲.
- نیلی، فرهاد و محمدرضا محمدی (۱۳۸۸)، **درس‌های بحران مالی جهانی برای بانکداران مرکزی**، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش سیاست‌های پولی و ارزی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.

ویلسون، رودنی (۱۳۸۱)، «شباهت‌های بانکداری اسلامی و بانکداری اخلاقی»، ترجمه محمدزمان رستمی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲.

- Aghion Philippe, Bacchetta Philippe & Banerjee Abhijit(2001), Currency Crises and Monetary Policy in an Economy with Credit Constraints, *European Economic Review*, 45(7).
- Beatty, S.E., Mayer, M., Coleman, J.E., Reynolds, K.E. and Lee, J.(1996), Customer-Sales Associate Retail Relationships, *Journal of Retailing*, 72(3):223- 47.
- Carboni V(2011), *Banking on Ethics: Challenges and Opportunities for the European Ethical Banking Industry in the Aftermath of the Financial Crisis*, CRBM Campagna per la Riforma della Banca Mondiale, Roma(Italy), Via Tommaso da Celano 15.
- Chapra MU(2008), *The Global Financial Crisis: Can Islamic Finance Help Minimize the Severity and Frequency of Such a Crisis in the Future?*, Paper Prepared at the Forum on the Global Financial Crisis, Islamic Development Bank.
- Chen, M. F. and Mau, L. H.(2009), The Impacts of Ethical Sales Behavior on Customer Loyalty in the Life Insurance Industry, *The Service Industries Journal*, 29(1), 59-74.
- Fisher J, Bonn I(2007), International Strategies and Ethics: Exploring the Tension between Head Office and Subsidiaries, *management Decision*, vol, 45, No, 10, pp, 1560-1572.
- Gbadamosi G(2004), Academic Ethics: What Has Morality, Culture and Administration Got to Do with Its Measurement?, *management Decision*, Vol, 42, No.9, pp,1145-1161.
- Gorton G(2008), *The Panic of 2007*, Paper Prepared for August, Jackson Hole conference.
- Hansen, J. D and Riggle, R. J.(2009), Ethical Salesperson Behavior in Sales Relationships, *Journal of Personal Selling & Sales Management*, 2, 151-166.
- Hennig-Thurau, T., Gwinner, K. P and Gremler, D. D.(2002), Understanding Relationship Marketing Outcomes an Integration of Relational Benefits and Relationship Quality, *Journal of Service Research*, 4(3), 230-247.
- Krugman, Paul(2009), *The Return of Depression Economics and the Crisis of 2008*, W. W. Norton & Company New York, London.
- Kunt, AD, Detragiache, E.(2005), Empirical Analysis of the Causes and Consequences of Banking Crisis, *National institute Economic Review*.
- Meshkin FS(1991), Anatomy of a Financial Crisis, in: Nber Working Papers, Series No 3934, *National Bureau of Economic Research*.
- Minsky, H.P.(1978), *The Financial Instability Hypothesis: A Restatement, Thames Papers in Political Economy*, North East London

- Polytechnic. Reprinted in Arestis, P. and Skouras, T.(1985), *Post Keynesian, Economic Theory*, Armonk, NY: M.E. Sharpe, pp 24–55.
- Minsky, H.P.(1980), Capitalist financial Processes and the Instability of Capitalism, *Journal of Economic Issues* XIV(2), pp505–22.
 - Minsky, H.P.(1986), *Stabilizing an Unstable Economy*, New Haven, CT: Yale University Press.
 - Muller A(2008), *What is Behind of Critical Crisis?*, Ludwig Von Mises Institute 14- Advancing the scholarship of liberty in the tradition of the Austrian School, Tu Ne Cede Malis.
 - Sirdeshmukh, D., Singh, J. and Sabol, B.(2002), Consumer Trust, Value, and Loyalty in Relational Exchanges, *Journal of Marketing*, 66(1), 15–37.
 - Svensson G, Wood G(2004), Codes of Ethics Best Practice in the Swedish Public Sector: A Pubsec-Scale, *The International Journal of Public Sector Management*, vol, 17, No, 2, pp,178-195.